



موافقت رهبر انقلاب با عفو یا تخفیف مجازات بیش از سه هزار نفر

صفحه ۲



تکذیب هر گونه نقشه ساخت بمب اتم در ایران

صفحه ۷

ترامپ یادداشت «فشار حداکثری» را امضا کرد

عطش پنهان برای معامله بزرگ

✓ رئیس‌جمهوری آمریکا خواهان ملاقات با پزشکیان شد

خیال کردند همه چیز ما

به نفت وابسته است

رئیس‌جمهوری در واکنش به اظهارات اخیر رئیس‌جمهوری آمریکا مبنی بر به صفر رساندن صادرات نفت ایران تصریح کرد: خیال کردند همه چیز ما به نفت وابسته است و می‌خواهند جلوی آن را بگیرند، اما برای ما و مردم ما مسیرهای بسیار زیادی وجود دارد که هم مشکلات خود و هم مردم را حل کنیم. مسعود پزشکیان در آیین افتتاح و شروع عملیات اجرایی طرح‌های…

صفحه ۲

فساد چای دیش

از موارد منکر نبود؟

یک فعال سیاسی اصلاح‌طلب گفت: چرا سسینه چاکان امر به معروف و نهی از منکر همواره غش می‌کنند به سمت تمایلات سیاسی‌شان و آنجا که در سرودن اشعارشان با نتنگای اخیر این وضعیت پایدار بود؛ اما بهره‌برداری ناجبای سیاسی می‌کنند. سوالات مختلفی از این قبیل مطرح است که البته مخاطب این سوالات نهادهای امنیتی و حاکمیتی است تادیرگان. سید حسن رسولی در پاسخ به این سوال که…

صفحه ۳

کمدی بخشی از معاش و

جریان حیات سینمای ما است

نشست رسانه‌ای فیلم سینمایی «کفایت مذاکرات» به کارگردانی سهیل موفق با حضور عوامل و اجرای فرزاد حسنی در کاخ جشنواره برگزار شد. در ابتدای این نشست، ابراهیم عامریان، تهیه‌کننده فیلم، سخنان خود را با اشاره به نقدهایی که به فیلم وارد شده آغاز کرد و گفت: ما مدت‌هاست تلاش می‌کنیم کمدی‌هایی بسازیم که از شوخی‌های سطحی و ناپسند فاصله بگیریم. همچنین مهران غفوریان در این نشست گفت: ما تلاش می‌کنیم…

صفحه ۸

یادداشت

از ابتدای ۱۹۹۱ یعنی سقوط اتحاد جماهیر شوروی عملا جهان به‌سوی تک‌قطبی شدن پیش رفت و تا سال‌های اخیر این وضعیت پایدار بود؛ اما پس از آن ظهور چین به‌عنوان یک قدرت اقتصادی و کنشگری‌های امنیتی روسیه و تلاش‌های پوپین برای احیای امپراتوری روسیه که یکی از مصادیق آن جنگ اوکراین است تا اندازه بسیار زیادی و کنشگری‌های امنیتی ایران در خاورمیانه تا اندازم‌ای هژمونی لیبرال به رهبری ایالات متحده آمریکا را به چالش کشیده و عملا آمریکا در حدود یک دهه است که دچار ضعف شده است. این مسئله دور از ذهن نیست که گردن استراتژی جدید آمریکا بازگشت شکوه و امنیت گذشته آمریکااست که مواردی مانند تلاش آمریکا برای الحاق گرینلند کانادا و تغییر نام خلیج مکزیک، تلاش برای مهار روسیه یا ایران و بزرگ‌ترین طرح یعنی مهار چین می‌توانند بخشی از این استراتژی بزرگ آمریکا باشد.

لازمه پرداختن به بزرگ‌ترین بخش استراتژی آمریکا یعنی مهار چین این مسئله است که ایالات‌متحده در ابتدا به چالش‌های امنیتی خود در رابطه با جنگ اوکراین و خاورمیانه قائل بیاید و پس از آن به سراغ موضوع اصلی و رقیب اصلی خود چین برود و طرح مهار چین را به پیش ببرد. چنین هدفی در واقع به روسیه می‌رساند که مذاکرات دیپلماتیک کنشگری نظامی و یا ترکیبی از هر دو را شامل باشد. این موضوع دور از ذهن نیست که حملاتی که توسط متحده منطقه‌ای آمریکا، یعنی دولت یهود، طی یک ساله گذشته به گروه‌های مورد حمایت ایران انجام شده بخشی از قسمت نظامی این پروژه باشد که هیات حاکمه آمریکا آغاز آن را در زمان یابدن کلید زده است، اما باید به این موضوع اشاره کرد که هدف اصلی ایالات متحده مهار ایران به‌عنوان یک قدرت متوسط

یادداشت

لبنان روزها و ساعات برالتهایی را می‌گذراند، ارتش صهیونیستی صدها بار با نقش آتش‌یس، شهرها و روستاهای نزدیک مرز را ویران کرده، خانه‌ها، مساجد، حسینیه‌ها و زیرساخت منطقه را منفجر کرده، راه‌ها را بسته، عده زیادی از ساکنان را به شهادت رسانده و عملا با جنوب لبنان همان کاری را کرده که با شمال نوار غزه انجام داده است. در همه این مدت، مقاومت نندسان روی جگر گذاشته و واکنشی از خود نشان نداده چرا که آتش بسس را دولت قانونی لبنان امضا کرده و مقابله با این‌تعدی‌ها مسئولیت دولت و ارتش لبنان بوده است. در واقع، مقاومت می‌خواسته به همه کسانی که سنگ حاکمیت دولت لبنان را به سینه می‌زدند و مقاومت را مخل حاکمیت می‌دانستند، نشان دهد که دولت لبنان چگونه می‌تواند، بدون مقاومت،

ایران و ترامپ؛ اهداف روسیه و چین

رامین فغاری

نیست و هدف اصلی ایالات متحده از همه اشکال کنشگری نظامی و امنیتی و سیاسی از‌جمله پایان دادن به جنگ به اوکراین توافق و با مهار ایران و کنشگری‌های امنیتی و نظامی احتمالی در رابطه با طالبان و تکمیل حلقه محاصره چین و مبتلا کردن چین به سرنوشت اتحاد جماهیر شوروی است. چرا از واژه طرح بزرگ ایالات متحده استفاده شده و از واژه طرح‌ها و نقشه‌های ترامپ استفاده نشده است؟ در پاسخ باید به این موضوع اشاره کرد که انتخاب ترامپ بخشی از یک طرح بزرگ برای پیش برد استراتژی آمریکااست که در اتاق‌های فکر آمریکا و با حمایت مردم آمریکا برای بازگشت شکوه و عظمت آمریکا پی‌ریزی شده و این مسئله بدیهی است که هیچ فردی به اندازه دونالد ترامپ نمی‌تواند این استراتژی را به پیش ببرد. باید به این موضوع اشاره کرد که ایران هارتلند جهان است و هم ایالات‌متحده و چین و روسیه به این مسئله واقف هستند؛ اما این هارتلند بودن نیز خطر این مسئله را در پی دارد که ایران به کانون رقابت‌های ژئوپلیتیک جنگ سرد جدید بین آمریکا و چین و روسیه بدل شود.

باید به این موضوع نیز اشاره کرد که چین و روسیه و نتانیاهو در راستای تأمین منافع ملی خودشان از این مسئله ناخرسند نخواهند شد؛ کما این که با این کار چین و روسیه از دستور کار اصلی آمریکا خارج شوند و عملا نیروی ایالات متحده و نیروی ایران به‌طور متقابل صرف مهار هم شود و نیروی ایالات متحده عملا برای ایران تحلیل برود، که این موضوع نتیجه‌ای جز نابودی ایران و ایجاد حاشیه امن برای چین ندارد. در اینجا باید به این موضوع نیز اشاره کرد که برخی از اشخاص سیاسی در داخل ایران که عملا سعی می‌کنند که ایران را در مقابل ترامپ قرار بدهند نادانسته آب به آسیاب چین و روسیه که به‌دنبال حاشیه امن در برابر

ترامپ هستند و یا نتانیاهو که به‌دنبال نابودی ایران است می‌ریزند. **امروز چاره چیست؟** باید به این موضوع اشاره کرد که زمانی که اکثر تحلیلگران معتقد هستند که هدف اصلی ایالات متحده مهار چین است و آمریکا علاقه‌ای به هدر دادن نیروی خود بر سرس ایران ندارد و ایران نیز در برابر ترامپ با قاعده «دفع ضرر مُحتمَل» مواجه است، هیچ دلیل منطقی و یا عقلانی وجود ندارد که کشور مسلمان و شیعه ایران با جمعیت بیش از هشتاد میلیون نفر سیر بلائ چین شود. مفهوم مطرح شده به معنی نداشتن رابطه اقتصادی و یا سیاسی با چین نیست و ایران باید با چین و جهان غرب همانند عربستان سعودی روابط متوازن داشته باشد اما باید از منازعات بین قدرت‌های بزرگ دوری

کند. هیچ دلیلی وجود ندارد درحالی‌که مواضع ترامپ و ایلان ماسک به سمت تعامل با ایران سوق یافته است و احتمالا در عمل نیز به دنبال حل مشکلات خودشان برای پرداختن به استراتژی بزرگ‌تر آمریکا هستند بنا به امریکاستیزی اقلیتی در داخل. ایران به عنوان یک موجودیت مستقل سبر بلائ چین نشود. درحالی‌که احیای برجام یا یک قرارداد قوی‌تری تواند توسعه و رونق اقتصادی را برای ایران به ارمغان آورد. هم‌اکنون ایران در لبه‌ای از تاریخ قرار گرفته است که می‌تواند احیای برجام و توسعه اقتصادی را انتخاب کند و یا یک حاشیه امن برای چین و روسیه ایجاد کند. بهتر است وفاقی ملی و مردمی بین مردم، دولت و حاکمیت برای عبور از بحرانی که ممکن است ترامپ برای ایران ایجاد کند ایجاد شود و مخالفت‌های کلی دررابطه‌با برجام برای تداوم موجودیتی مستقل و توسعه‌یافته به‌نام ایران به حاشیه برود.

یادداشت

جولانی و احیای پروژه خط لوله گاز قطر – ترکیه

محمد امین نوربالا تفتی

است اجرای پروژه حمل و نقل آب به موازات پروژه خط لوله گاز طبیعی در نظر گرفته شود. ترکیه به سه عنوان کشوری که قادر به انجام ابتکارات هیدروپلیتیکی است در گذشته پروژه‌های آبی را انجام داده است، یکی از این پروژه‌ها طرح تأمین آب جریان ماناوگات است. این طرح برای اولین باردر سال ۱۹۸۷ برای تأمین آب شرب کشورهای دارای تنش آبی خاورمیانه در دستور کار قرار گرفت اما به مرحله اجرا نرسید و قرارداد فروش آب از تاسیسات ماناوگات به اسرائیل در سال ۲۰۰۶ به طور متقابل فسخ شد. کار بر روی طرح انتقال آب به عنوان راه حلی برای نیاز آب این کشور (قطر) می‌تواند فرصت همکاری متقابل (برد-برد) برای دو کشور را فراهم کند.

در یک ارزیابی کلی می‌توان اظهار داشت که سرتنگونی رژیم مسوریه فرصت مناسبی برای انجام پروژه خط لوله گاز قطر-ترکیه فراهم کرده است بسا این حال باید در نظر گرفته شود که این طرح در منطقه‌ای انجام می‌شود که بی‌ثباتی سیاسی و رقابت منطقه‌ای بر آن حاکم است. بنابر موفقیت این طرح در گرو همکاری بازیگمران منطقه‌ای و بین‌المللی خواهد بود. این پروژه علاوه بر تقویت امنیت انرژی اروپا باعث تنوع مسیرهای تأمین گاز اروپا نیز می‌شود. این مزایا درعین جذابیت بخشیدن می‌باشد، اما از نظر منابع آبی ضعیف است؛ به طوری که ۵۰ درصد کل آب مصرفی خود را از طریق نمک‌زدایی به دست می‌آورد. تصفیه آب دریا در کنار آلودگی منابع دریایی باعث مصرف زیاد انرژی نیز می‌شود. باتوجه به نیاز قطر به منابع آبی ممکن برابر خطرات در نظر گرفته شود.

گزارش روز

فاران افروز بررسی کرد

اقتصاد دیوانه، ابزار دست ترامپ

واقع، بیشتر سیاست‌های تجاری، مالی و کارگری وعده داده شده خود را اجرا و آنها را حفظ کرد، حتی در حالی که این سیاست‌ها نتایج ضعیفی داشتند. همانند رویکرد «نظریه دیوانه» در سیاست خارجی، تهدیدها نیز باید معتبر باشند تا تأثیر مطلوب خود را داشته باشند. اگر کارشناسان و سرمایه‌گذاران کافی شسرت ببینند که ترامپ کارهایی را که می‌گوید انجام نمی‌دهد، یسا در صورت افزایش هزینه‌ها، آنها را کنار می‌گذارند، باید از آنها برای نشان دادن سرسختی خود استفاده کند. در غیر این صورت، او از سوی دولت‌ها و شرکت‌های خارجی نادیده گرفته می‌شود، که قطعاً نتیجه مطلوب او نیست. اما مشکل برنامه ترامپ عمیق‌تر از این است که سیاست‌های او به اقتصاد ایالات متحده آسیب برسانند. برخلاف سیاست خارجی که ایجاد نامنی در خارج از کشور از طریق سیاست‌های غیرقابل پیش‌بینی در شرایط خاص ممکن است نتایج مفیدی به همراه داشته باشد، در حوزه اقتصاد تهدیدهای خوب اوست. اما اشتباه چنین فرضیاتی کلان، ایجاد نامنی به ظرفیت تولیدی ایالات متحده آسیب می‌رساند.

در مقایسه با حمل و نقل دریایی بسیار کم‌هزینه‌تر است و مزایای زیادی برای قطر خواهد داشت. قطر با افزایش نفوذ ژئوپولیتیکی خود می‌تواند جای خالی روسیه را در بازار انرژی اروپا پر کند و روابط اقتصادی خود را با ترکیه و اروپا تقویت کند. علاوه بر این پروژه خط لوله راه‌حل‌های به صرفه‌تری را برای پاسخ‌گویی به تقاضای فزاینده انرژی اروپا ارائه می‌کند. کشور ترکیه به دلیل موقعیت استراتژیک خود که در تقاطع آسیا و اروپا قرار دارد به عنوان یک مرکز مهم انتقال انرژی طبیعی شناخته می‌شود، به همین دلیل خط لوله قطر به ترکیه می‌تواند اهمیت ترکیه را در بازارهای انرژی جهانی تقویت کند.

خط لوله گاز قطربه ترکیه

در چارچوب امنیت انرژی اروپا

این پروژه بسا ارائه منابع متنوع به امنیت عرضه کمک می‌کند همچنین هزینه‌ها را کاهش داده و امنیت انرژی اتحادیه اروپا را تقویت می‌کند. به گفته کریستین استوفاس اقتصاددان این پروژه دارای پتانسیل میان مدت و بلند مدت برای تأمین امنیت انرژی است، زیرا امکان دور زدن مسیر گازی روسیه را فراهم و تا حدودی از حمل و نقل اجتناب می‌کند.

همکاری ترکیه وقطر

در زمینه مدیریت آب

کشور قطر اگرچه دارای منابع نفت و گاز غنی می‌باشد، اما از نظر منابع آبی ضعیف است؛ به طوری که ۵۰ درصد کل آب مصرفی خود را از طریق نمک‌زدایی به دست می‌آورد. تصفیه آب دریا در کنار آلودگی منابع دریایی باعث مصرف زیاد انرژی نیز می‌شود. باتوجه به نیاز قطر به منابع آبی ممکن

پروژه خط لوله گاز قطر–سوریه–ترکیه که هدف ان انتقال گاز قطر به اروپا از طریق میدان گازی پارس جنوبی است، از منطقه راس لافان قطر شروع و از طریق عربستان و اردن به سوریه و سپس به ترکیه می‌رسد و به خط لوله ناپوکو در انکارا متصل می‌شود و از آنجا به اروپا می‌رود. قطر این طرح را در دهه ۲۰۰۰ مطرح کرد اما بشار اسد، رئیس‌جمهور وقت سوریه، از اجرای این طرح خودداری کرد و با پروژه ایران–عراق–سوریه که با اهداف ژئوپولیتیکی ایران همسو بود موافقت کرد. پس از شروع جنگ داخلی سوریه در سال ۲۰۱۱ این طرح غیر قابل اجرا شد. اما پس از سرتنگونی نظام بعثی سوریه زمره‌هایی درباره احیای این پروژه شنیده می‌شود ولی تحقق این طرح منوط به ثبات کشور سوریه است. همچنین وجود نیروهای pkk خطری برای انجام این پروژه است.

امکان‌سنجی اجرای پروژه

خط لوله گاز قطر–ترکیه

تغییر حکومت در سوریه فرصت‌های جدیدی برای همکاری منطقه‌ای و پروژه‌های زیرساخت انرژی ایجاد می‌کند. یکی از مهم‌ترین این پروژه‌ها خط لوله گاز قطر-ترکیه است که پتانسیل تغییر تأمین گاز طبیعی و افزایش امنیت انرژی اروپا را دارا می‌باشد. از نظر امکان‌سنجی پروژه باید عوامل مالی و محیطی به خوبی مورد ارزیابی قرار گیرد و هنگام تحلیل این طرح مولفه‌های مهمی مانند بی‌ثباتی سیاسی در سوریه و تغییر بازارهای انرژی جهانی در نظر گرفته شود. از دیدگاه قطر این پروژه که امکان انتقال گاز به اروپا را از مسیر مستقیم فراهم می‌کند

«دام پوزن» در فارن پالیسی می‌نویسد؛ تقریباً تمام پیشینه‌های اقتصادی دونالد ترامپ کاهش عرضه نیروی کار، نهادهای صنعتی، کالاهای مصرفی و درآمد‌های مالیاتی فدرال را باعث می‌شود. استراتژی او عدم اطمینان را در سراسر اقتصاد ایالات متحده تحمیل می‌کند، زیرا مشاغل و مصرف کنندگان می‌ترسند که قیمت‌ها افزایش یابد یا دسترسی به منابع در هر زمانی که دولت بخواهد محدود شود. این دقیقاً برعکس سیاست‌هایی است که با هدف ثبات اقتصاد کلان انجام می‌شود که سابقه اثبات شده در سرتاسر جهان در ایجاد رشد پایدار و تورم پایین دارند.

سرمایه‌گذاران در مواجهه با نامنی اقتصادی و کاهش طرف عرضه و همچنین افزایش کسری بودجه و قیمت‌ها، نرخ‌های بهره بالاتری را از دولت ایالات متحده دریافت خواهند کرد. شرکت‌های چند ملیتی، حتی آنهایی که مقرر آنها در ایالات متحده است، در برنامه‌های خود را برای سرمایه‌گذاری و اشتغال در بازار داخلی کاهش خواهند داد. آنها مجبور نیستند خواسته‌های رویکرد ترامپ را